

شوخی نمی‌کنم، سفیدبرفی خیلی حواس‌پرت بود!



داستان سفیدبرفی از زبان کوتوله‌ها

نویسنده: نانسی لوئین

تصویرگر: جرالڈ گرلس

مترجم: محبوبه نجف‌خانی

من سفیدبرفی را از ته دل دوست دارم؛ چون هم از نظر ظاهری و هم باطنی، دختر زیبایی بود. اما راستش را بخواهید، هوش و حواسش مثل سطل سوراخی بود که آب از تهش چکه می‌کرد. این داستان واقعی سفیدبرفی و هفت کوتوله است. (راستی، اسم من هفت است. ما کوتوله‌ها قبلاً اسم‌های واقعی داشتیم، اما سفیدبرفی اصلاً یادش نمی‌ماند).

